

« اللهم العن قتلة امیر المؤمنین (ع) »

✓ **خدایا! قاتلان امیرالمؤمنین را لعنت کن، از رحمت خودت دور کن. در مسجد کوفه، یک نفر که بیشتر بر فرق مبارک حضرت شمشیر نزد؛ اما می گوید قاتلان! ببینید، لازم نیست که انسان، خودش مباشرتاً در حادثه حضور داشته باشد تا حادثه به او منسوب شود. از آن روزی که غوغای حکمیت در جنگ صفین به راه افتاد، یک عده ی ظاهر پرست، به قرآنها سرنیزه فریب خوردند و این قدر این فریب خودشان را غلیظ کردند و حق را به جانب خود دانستند که جرات کردند به انسان والامقامی مثل علی فشار بیاورند و زور بگویند و او را وادار به قبول حکمیت کنند؛ از آن روز، کسانی که در آن قضیه فعال بودند، جزو قتله ی امیرالمؤمنین اند؛ تا آنها یی که قدرش را ندانستند؛ تا آنها یی که کمک کردند؛ تا آنها یی که به دنبال شهوترانیا یا اغراض شخصی شان در به شهادت رساندن این انسان بزرگ تاریخ، همراهی کردند. لعنت خدا بر همه ی آنها.**

✓ **جرم امیرالمؤمنین « عدالت » او بود و همین عدالت بود که او را به این مقام والا و به شهادت رساند. شهادت هم برای امیرالمؤمنین یک درجه است.**

(۱) دعا مظهر بندگی در مقابل خداوند

✓ **دعا مظهر بندگی در مقابل خداوند و برای تقویت روح عبودیت در انسان است، و این روح عبودیت و احساس بندگی در مقابل خداوند، همان چیزی است که انبیای الهی از اول تا آخر، تربیت و تلاششان متوجه این نقطه بوده است که روح عبودیت را در انسان زنده کنند.**

✓ **سرچشمه ی همه ی فضائل انسانی و کارهای خیری که انسان ممکن است انجام بدهد، همین احساس عبودیت در مقابل خداست.**

✓ **دعا که می کنیم در واقع این حالت خشوع را در خود به وجود می آوریم و خودبینی و خودخواهی را در خود سرکوب می کنیم و در نتیجه، جهان هستی و محیط زندگی انسانها از طغیان و تجاوز به حقوق و طبیعت محفوظ می ماند.**

✓ **لذا فرمود:**

« **الدعا مخ العباده** » مغز هر عبادتی دعاست .

✓ **عبادت برای همین است که بتواند انسان را در مقابل خدای متعال خاشع و دلش را نیز مطیع و تسلیم کند.**

✓ **این اطاعت و خشوع در مقابل خداوند هم از نوع تواضع و خشوع و خضوع انسانها در مقابل یکدیگر نیست. بلکه به معنای خشوع و خضوع در مقابل خیر مطلق، حسن مطلق و فضل مطلق اوست.**

✓ **عبودیت نقطه ی مقابل این خودخواهی و منیت و خودپرستی است.**

✓ **نقطه ی مقابل احساس عبودیت، خودبینی و خودخواهی و خودپرستی است. منیت است. این منیت است که در انسان، منشاء همه ی آفات اخلاقی و عوارض و نتایج عملی آنهاست.**

✓ **منشاء همه ی این جنگها و کشتارهای عالم، و ظلمهایی که به وقوع می پیوندد و منشاء همه ی فجایعی که در طول تاریخ اتفاق افتاده، احساس منیت و خودخواهی و خودبینی در مجموعه ای از انسانهاست که سرچشمه ی این فساد و نابسامانی، در زندگی آنهاست.**

✓ **اگر این خودبینی و خودخواهی در مقابل خداوند متعال باشد - یعنی انسان خود را در مقابل پروردگار قرار بدهد - نتیجه آن در انسان طغیان است: طاغوت. طاغوت هم فقط پادشاهان نیستند، هر کدام از ما انسانها ممکن است در خودمان - خدای نگرده - یک طاغوت و یک بت تربیت کنیم و پرورش بدهیم.**

✓ **در مقابل خدا سرکشی کردن و خودبینی داشتن، نتیجه اش عبارت از رشد طغیان در انسان است.**

✓ **اگر این خودبینی در مقابل انسانهای دیگر باشد، نتیجه اش می شود نادیده گرفتن حقوق دیگران، تجاوز و دست درازی به حقوق این و آن .**

✓ **اگر این خودبینی در مقابل طبیعت واقع بشود، نتیجه اش می شود تزیع محیط طبیعی، یعنی آنچه که امروز به حق در باره مسئله محیط زیست در دنیا اهتمام هست.**

بررسی آثار و برکات و دستاوردهای دعا در حوزه های مختلف از دیدگاه مقام معظم رهبری

دعا،
ضد همه
اینهاست.

۲) دعا و فرصت دعا کردن یک نعمت است.

- ✓ در وصیت امیرالمؤمنین (ع) به امام حسن مجتبی (ع) این معنا وارد شده است :
« **اعلم ان الذی بیده خزائن ملکوت الدنیا و الاخره قد اذن لدعائک و تکفل لاجابتک** »
- خدای متعال که همه ی قدرت آسمان و زمین در قبضه ی توانایی اوست، به تو اجازه داده که با او دعا کنی و حرف بزنی و از او بخواهی .
- « **وامرک ان تساله لبعطیک** »
- از او مطالبه کنی تا او هم به تو عطا کند.
- این رابطه ی درخواست کردن و گرفتن از خدا، مایه تعالی روح انسان است و همان تقویت کننده ی روح عبودیت است.
- « **و هو رحیم کریم لم يجعل بینک و بینه من یحجبک عنه** »
- خدای متعال بین خودش و تو، واسطه ای ، فاصله ای و حجابی قرار نداده است.
- ✓ هر وقت با خدا شروع کنید به سخن گفتن و عرض نیاز کردن، خدای متعال صدا و در خواست شما را می شنود.
- ✓ با خدا همیشه می شود همزیان شد، می شود گفتگو کرد، می شود مانوس شد و می شود از او درخواست کرد. **این برای بشر، فرصت و نعمت خیلی بزرگی است.**

۳) مهترین خاصیت دعا

- ✓ **ارتباط با خدا و احساس عبودیت در مقابل خداوند، بزرگترین اثر و خاصیت دعاست.**
- ✓ از خدا خواستن ، که آن وقت خدای متعال هم اجابت خواهد کرد. البته اجابت الهی از طرف پروردگار، هیچ قید و شرطی ندارد. این ما هستیم که با اعمال خودمان مانع اجابت می شویم. ما هستیم که موجب می شود دعا ی مورد اعتناء قرار نگیرد. که خود همین، یکی از معارفی است که می توان از دعا استفاده کرد و یکی از خصوصیات دعا، همین است.

۴) استفاده از دعاهای مأثور

- ✓ یکی از برکات ادعیه ی مأثوره ای که از ائمه (علیهم السلام) رسیده این است که این دعاها پر از معارف الهی است.
- ✓ صحیفه سجادیه، دعای کمیل، دعای مناجات شعبانیه، دعای ابی حمزه ثمالی - و بقیه ی دعاهایی که وارد شده است - پر از معارف الهی است . که اگر کسی اینها را بخواند و بفهمد، علاوه ی بر آن ارتباط قلبی و اتصالی که به ذات اقدس الهی و حضرت ربوبی پیدا می کند، یک منبع عظیمی از معارف را هم از این دعاها فرا می گیرد.
- ✓ دعاهای مأثور از ائمه (علیهم السلام) بهترین مضامین در زیاترین الفاظ و سرشار از معارف الهی است که قدر آنها را باید دانست و بایستی به آنها متوسل شد.
- ✓ من به جوانها قویاً توصیه می کنم که به ترجمه دعاها توجه کنند. این دعاهای عرفه و ابی حمزه ، پر از معارف است.

۵) گناه مانع اجابت دعا

- ✓ اینکه در دعای کمیل می خوانیم:
« **اللهم اغفر لی الذنوب التي تجیس الدعاء. اللهم اغفر لی الذنوب التي تنزل البلاء** » یا « **تنزل النقم** »
- یعنی منعایش این است که ما افراد بشر، گاهی خطا و گناهایی می کنیم که این گناهان مانع از این می شود که دعا ی ما مورد اجابت قرار بگیرد و قبول بشود. گناهایی از ما سر می زند که این گناهان بلا را برای ما به ارمغان می آورد.
- ✓ گاهی بلاهای عمومی و ملی بر اثر گناهایی بوجود می آید و البته اعلام نمی شود که این بلا برای این گناه به وجود آمد. اما وقتی افراد صاحب تدبیر، فکر و تدبیر کنند، می فهمند که این بلا از ناحیه چه عملی متوجه این ملت شد. بعضی اوقات اثر اعمال سریع است و بعضی با فاصله است . اینها را دعا به ما می گوید.

۶) دعا عامل هدایت و محبت

- ✓ وقتی در دعا ابوحمزه عرض می کنیم:
« **معرفتی یا مولای دلیلی علیک وجهی لک شفیعی الیک** »
- اینکه من تو را می شناسم خود این، راهنمای من به سوی توست. این که من تو را دوست می دارم و محبت تو در دل من هست؛ خودش شفاعت کننده ی من پیش توست.
- « **و انا واثق من دلیل بدالتک و ساکن من شفیعی الا شفاعتک** »
- من وقتی این راهنما را مشاهده می کنم، این معرفت خودم به تو را نگاه می کنم. وقتی این محبتی را که به تو دارم ، مورد ملاحظه قرار می دهم، می بینم این تو هستی که این محبت و دلالت را بوجود آوردی تویی که داری کمک می کنی.
- ✓ ببینید این، چشم انسان را باز می کند، این یک معرفتی را ایجاد می کند، این از معارف الهی است. کمک الهی ، توفیق الهی و عنایت الهی است. اینها را در دعاها می توان پیدا کرد. بنابراین قدر دعا را بدانید.

۷) دعا، خواندن خداست

- ✓ **دعا، خواندن خداست، حالا می توانید به زبان فارسی یا به زبان خودتان باشد. هر چه که می خواهید با خدا حرف بزنید. این، دعاست.**
- ✓ هر چه می خواهید با او در میان بگذارید. گاهی هم حاجت خواستن نیست. فقط انس با خداست. حاجات هم مختلف است. گاهی کسی از خدای متعال، رضای او را می خواهید یا مغفرت او را مطالبه می کند، این یک جور حاجت است. یک وقت هم انسان چیزهای مادی را در خواست می کند. هیچ مانعی ندارد.
- ✓ خواستن از خدا - هر چیزی و به هر زبانی - خوب است.

زندگانی امیرالمؤمنین(ع) در زمان حیات پیامبر(ص) و پس از رحلت پیامبر اعظم(ص)

زندگانی امیرالمؤمنین(ع) در زمان حیات پیامبر اعظم(ص)

- ✓ دوره ی زندگی امیرالمؤمنین(ع)، کودکی و نوجوانی او، در آغوش پیغمبر و تحت تربیت پیغمبر بوده و اصلاً در دامان پیغمبر رشد پیدا کرده و با تربیت او تربیت شده است.
- ✓ از اول بعثت تا آن روزی که بعثت و رسالت اعلام شد، حمله ها و سختیها شروع شد. **خود امیرالمؤمنین(ع) می فرماید: «لقد كنت اتبعه اتباع الفصيل اثر امه»** مثل بره ای که دنبال مادرش حرکت می کند، دائم متصل به رسول خدا بودم.
- ✓ **«يرفع لي في كل يوم من اخلاقه علما و يأمرني بالاعتداء به»** هر روز با عمل و اخلاق خود، یک درسی و دانش جدیدی به من می آموخت و از من می خواست که به آن عمل کنم. پیغمبر این شخصیت والا و ملکوتی را تربیت می کرد و می ساخت.
- ✓ **«لقد كان يجاور في كل سنه بحراء»** هر سال مدتی را در غار حرا می گذرانید. **«فأراه و لا يراه غيري»** من می رفتم او را می دیدم. هیچ کس غیر از من به سراغ او نمی رفت و او را نمی دید.
- ✓ **«ولم يجمع بيت واحد يومئذ في الاسلام غير رسول الله (ص) و خديجه و انا ثالثها»** تنها خانه ای که اهل آن، مسلمان بودند، خانه ما بود، پیغمبر بود، خدیجه بود و من.
- ✓ **«أرى نور الوحي و الرسالة و اشم ريح النبوه»** نور پیغمبر را می دیدیم. عطر دلپذیر نبوت را استشمام می کردم. **امیرالمؤمنین(ع) این چنین پرورش پیدا کرد.**
- ✓ روزی که پیغمبر خدا و مسلمانها را از مکه بیرون کردند و آنها مجبور شدند به شعب ابی طالب پناه ببرند امیرالمؤمنین(ع) هفده ساله بود و در کنار پیغمبر بود.
- ✓ وقتی پیغمبر به طائف رفتند تا شاید بتوانند در آنجا اثری بگذارند - که ده روز در طائف ماندند - امیرالمؤمنین(ع) همراه پیغمبر بود که آنجا اشراف و ثروتمندان طائف فهمیدند که پیغمبر اکرم به طائف آمده است. غلامان و نوکران و مردم کوچه و بازار را تحریک کردند و آنها به پیغمبر سنگ زدند. آنجا امیرالمؤمنین(ع) ایستاد و از پیغمبر دفاع کرد.
- ✓ آن شبی که برای اولین بار چند نفر از بزرگان مدینه مخفیانه به خانه قدیمی عبدالمطلب آمدند و برای بیعت، کنار پیغمبر نشستند و کفار قریش اطلاع پیدا کردند و آمدند اطراف آن خانه را گرفتند تا حمله کنند، آن کسانی که آمدند دفاع کردند، امیرالمؤمنین(ع) و جناب حمزه بودند.
- ✓ **این جوان - جوان مؤمن، جوان نورانی، جوان متصل به منبع وحی، مؤمن واقعی، پرهیزگار و پاکیزه کامل - تمام این دوران سیزده ساله و همه وجودش را وقف دفاع از رسالت و پیغمبر کرد. سخت ترین کارها را هم در هنگام هجرت پیغمبر، امیرالمؤمنین(ع) به عهده گرفت. یعنی منتقل کردن زنان (فواطم) و دادن اماناتی که دست پیغمبر بود و بعد رساندن خود به قوا و مدینه.**
- ✓ در مدینه، سردار تراز اول، مؤمن تراز اول، شاگرد تراز اول پیغمبر و عبادت کننده ی تراز اول در میان همه مسلمانان، امیرالمؤمنین(ع) است.
- ✓ در جنگ، همه چشمها به اوست، در مسجد و هنگام عبادت هم، همه دلها تحت الشعاع دل نورانی اوست. پای منبر پیغمبر هم، از همه ی شاگردان پذیرنده تر و داننده تر و پرسنده تر اوست. بنابراین، شاگرد درجه ی یک بود. دوره پیغمبر. این ده سال هم با همه محنتها، شکوه ها، شیرینیا و تلخیهایش، این طوری گذشت.

✓ بعد از رحلت پیغمبر ماجرای ثقیفه و مسئله خلافت پیش آمد. خوب، معلوم بود حق با امیر المؤمنین (ع) بود و حق را متعلق به خود می دانست. اما وارد جدال و جنجال نشد. وقتی بیعت تمام شد حضرت مجبور شد و نخواست در مقابل جماعت مردم بایستد و فتنه ای درست بشود، تسلیم بیعت شد.

✓ بعد از اندکی احساس کرد جامعه اسلامی به او نیاز دارد: « حتی رایت راجعه الناس قدر جعت ترید محو دین محمد (ص) » آن وقت وارد میدان شد.

✓ همکاری، مشارکت و کمک به کسانی که مدیریت جامعه را به عهده داشتند. هدایت و دستگیری آنها را در آنجایی که میغزیدند در آنجایی که اشتباه می کردند، چه در زمینه علمی، چه در زمینه سیاسی، در همه ی زمینه ها. که این مورد اعتراف همه است. این حرفی نیست که ما شیعیان می زنیم. پر است کتب روایات و تواریخ مسلمین از شیعه و سنی و کمکهای امیر المؤمنین (ع) که « لولا علی لهلك عمر » که بارها و بارها این را سنی ها نقل کرده اند. این حرف ما نیست.

✓ هدایتها و کمکهای آن بزرگوار در زمینه ی لشکر کشیها، در زمینه اجرای حدود، در زمینه مسائل سیاسی و غیره، مرشد کامل، محور کامل و مرکز نورافشانی در جامعه ی اسلامی، امیر المؤمنین (ع) بود.

✓ نوبت به خلافت رسید آن وقت معجزه ی مدیریت و حکومت در تمام تاریخ را امیر المؤمنین (ع) سردست آورد و این چهار سال و نه ماه، ده ماه حکومت امیر المؤمنین (ع)، معجزه حکومت است. دیگر نظیر آن، حکومتی دیده نشده است. حکومت عدل مطلق، شجاعت مطلق، همراه با مظلومیت مطلق، وضعی که در زمان پیامبر هم پیش نیامد.

✓ در زمان پیامبر وضع روشن بود، فاصله ها معلوم بود. اما زمان امیر المؤمنین (ع) مشکلات بسیار پیچیده تر و در هم تنیده تر بود. آن هم با آن وسعت دنیای اسلام.

✓ در زمان پیامبر فقط مدینه و مکه بود و چند تا شهر دیگر، زمان امیر المؤمنین (ع) کشور پهناور عظیم، مردم تازه مسلمان و مرزهای درهم ریخته ی اعتقادی و مشکلات فراوان دیگر.

✓ در چنین جامعه ای، امیر المؤمنین (ع) حکومتی را بر پا کرد که افتخار همه ی حکومتهای با انصاف دنیا این است که بتوانند خودشان را اندکی به آن شبیه کنند، و تازه نمی توانند و هیچ کس تا امروز نتوانسته است، مظهر عدالت، مظهر قداست، مظهر انصاف، مظهر رحم، مظهر تدبیر، مظهر شجاعت، مظهر رعایت حقوق انسان، مظهر عبودیت در مقابل پروردگار، این خلاصه زندگی امیر المؤمنین (ع) است.

بررسی روند اوضاع منطقه، تهدیدات و راههای مقابله با آن در دنیای اسلام

لبنان

- ✓ مسئله لبنان یک مسئله ی معمولی و عادی نبود. این جنگ سی و سه روزه ، یک پدیده ی تاریخی بود. ما حادثه ای شبیه آن در کل این منطقه به یاد نداریم و دشمنان ملت های مسلمان و بیداری اسلامی هم هرگز انتظار وقوع چنین چیزی را نداشتند اما اتفاق افتاد.
- ✓ این حادثه ی لبنان درسی به همه ی مسلمانها داد ... ملتها یک بار دیگر بعد از انقلاب اسلامی به چشم خودشان دیدند و تجربه کردند که راه پیروز شدن و راه نجات ، جز مقاومت در مقابل زورگویان ، متجاوزان و ستمگران نیست.
- ✓ برنامه ی اینها در خود لبنان، تضعیف حزب الله است و نتوانستند. لیکن رها نکردند. از لحاظ سیاسی درصددند هر چه بتوانند حزب الله را تضعیف کنند. می خواهند از قدرتمند و قوی تر شدن حزب الله جلوگیری کنند. فشارهای سیاسی روی آن وارد کنند.
- ✓ این نیروهای سازمان ملل به نام «یونیفیل» که از کشورهای مختلف آمدند ماموریتشان این است که از مردم لبنان در مقابل تجاوز بیگانه حمایت کنند، می خواهند ماموریت اینها را تغییر بدهند و اینها را در مقابل حزب الله به حرکت وادار کنند. این کار جزو برنامه های شان است.

فلسطین

- ✓ یکی از کارهایی که دنبال می کنند مسائل فلسطین است آنچه که دارد در فلسطین اتفاق می افتد، مقداری برای جبران بی آبرویی اسرائیل در قضیه لبنان است.
- ✓ بخش مهمی از این فشارها، به خاطر جبران آن بی آبرویی است و سعی دارند دولت حماس را ساقط کنند.
- ✓ سعی دشمن این است، فلسطینیها در مقابل فلسطینیها. در عراق هم عراقیها مقابل عراقیها این را باید همه مواظب و مراقب باشند. امروز اتحاد، مهمترین نیاز مردم فلسطین است مثل بقیه ی مناطق عالم.

عراق

- ✓ در عراق هم دارند همین مسئله ی مردم در مقابل مردم را دنبال می کنند. یعنی قصد دارند به اسم شیعه و سنی مردم را در مقابل مردم قرار دهند.
- ✓ سنی را نسبت به شیعه به نحوی بد بین کنند، شیعه را هم نسبت به سنی به نحوی بد بین کنند. این را به خون او تشنه کنند، او را درصدد انتقام گیری از این تحریک بکنند. این سیاست امریکاییها در عراق است.
- ✓ امروز برادران عراقی ما بشدت به اتحادی احتیاج دارند که ناشی از درک این حقیقت باشد که دشمن می خواهد واقعیت مردم در مقابل اشغالگر را به مردم در عراق تبدیل کند. در کل منطقه هم همین طور است.
- ✓ این سیاست قدیمی اختلاف مذهبی و فرقه ای ، امروز زنده شده است که البته متخصص آن هم انگلیسیها هستند. این کار را به امریکاییها هم یاد دادند. اختلاف افکنی بین شیعه و سنی ، به هر نحوی که بتوانند، همه باید متوجه باشند.

دنیای اسلام

- ✓ در دنیای اسلام هم یک جا از زبان وابستگانشان مسئله ی هلال شیعی را مطرح می کنند که : « آهای سنی ها ! چه نشسته اید ، خودتان را برسانید که شیعه ها دارند مسلط می شوند! » یک هلال شیعی را از ایران تا عراق ، تا بحرین ، تا لبنان تشکیل می دهند. برای اینکه جامعه اهل سنت و دولتهای اهل تسنن را بترسانند.
- ✓ از این طرف هم مظاهری را درست می کنند که جمهوری اسلامی را از همسایگانش دور کنند، مسئله ی جزایر و مسائل گوناگون را مطرح می کنند که ایران هم احساس کند که مورد تهدید است. سنی را یک جور علیه شیعه و شیعه را یک جور علیه سنی تحریک می کنند. این برنامه های اینهاست.

ایمان و ایستادگی عامل پیروزی امت اسلامی

- ✓ ایستادگی وسیله ی پیروزی است. منتها کسانی که مقاومت می کنند باید از خطرات مقاومت نترسند. اگر ترسیدند در مقاومتشان اختلال پیدا خواهد شد و پیروزی به دست نخواهد آمد و این، آفت اغلب ملتها و جماعات است، که وسط راه دچار ترس می شوند.
- ✓ اگر آن گروه، ملت و جماعتی که می خواهد مقاومت کند، از فقدان لذایذ زندگی، از فقدان حیات و از فقدان را حتی ترسد و ناراحت و آشفته نشود و پیش برود، بدون تردید مقاومت با پیروزی همراه است.
- ✓ این مقاومت وقتی با ایمان باشد. ادامه پیدا خواهد کرد. لذا می گوئیم و همیشه گفتیم که ایمان همراه با مقاومت، به دنبالش پیروزی است.
- ✓ مراد ما فقط ایمان دینی هم نیست، ایمان به هر اصلی ، البته اگر ایمان دینی باشد آن وقت خدای متعال وعده کرده است که همه ی قوانین طبیعت و تاریخ در خدمت این مقاومتان قرار خواهد گرفت: « من کان یرید العاجله عجلنا له فیها و نشاء لمن نرید » این مربوط به کسانی است که دنیا را می خواهند، نیت شان دنیایی است و اما اراده دارند، می خواهند و خدا می دهد. و کسی که اراده ی دین دارد، همین طور است. « کلا نمد، هؤلاء و هؤلاء » این سنت الهی است.